
Resolving the Conflict Between the Right to Freedom of Expression and Information with the Right to Personal Data in the Media from the Perspective of European Union Law and Iran's Legal System

By: Mahdiyeh Latifzadeh, Ph.D.*

Abstract:

Respect for basic human rights and freedoms are necessary for the survival of any democratic society. For this reason, if fundamental rights are opposed to each other, one should think about how to establish a balance between these rights, and one cannot completely ignore a right due to the existence of such a conflict. Among these cases, we can mention the conflict between the right to freedom of expression and information with the right to protect the personal data of natural persons in the media and press. It should be noted that media and press operators are in contact with a wide range of personal data in publishing news; while they should inform the citizens properly and transparently; People's data rights should not be violated. Therefore, how to realize this in practice should be resolved. The current research has a descriptive-analytical and comparative nature due to the search for the answer to this problem from the legal sources of the European Union and then its investigation in the legal system of Iran. The research method is documentary and library; In this way, in the current research, various documents, including the legal documents of the aforementioned legal systems, have been examined. The conducted studies indicate that the media and the press can act in accordance with the right to freedom of expression and information when there is public interest in a news item, the celebrity of the subject of the news and the need to disclose this news in order to clarify public opinion, as well as ensure the accuracy of the information. and acquiring it from a reliable source should exist in tandem.

Keywords: *Personal Data Protection, Right to Freedom of Expression and Information, European Court of Human Rights, European Regulations on Data Protection, Public Interest*

رفع تقابل بین حق آزادی بیان و اطلاعات با حق بر داده‌های شخصی در رسانه‌ها از منظر حقوق اتحادیه اروپا و نظام حقوقی ایران

مهديه لطيف‌زاده*

چکیده

احترام به حقوق و آزادی‌های اساسی بشر برای تداوم حیات هر جامعه مردم‌سالار، امری ضروری است. به‌همین دلیل در صورتی که حقوق اساسی مقابل هم قرار گیرند، باید به چگونگی برقراری تعادل بین آنها اندیشید و نمی‌توان به‌طور کامل از یک حق به دلیل وجود چنین تقابلی چشم‌پوشی کرد. از این موارد می‌توان به تراحم بین حق آزادی بیان و اطلاعات با حق حفاظت از داده‌های شخصی اشخاص حقیقی در رسانه‌ها و مطبوعات اشاره کرد. توضیح اینکه متصدیان رسانه‌ها و مطبوعات در انتشار اخبار با طیف وسیعی از داده‌های شخصی در ارتباط هستند؛ آنان در همان حال که باید به‌طور مناسب و شفاف به شهروندان اطلاع‌رسانی کنند؛ نباید حق بر داده افراد را مورد تعرض قرار دهند. از این‌رو، چگونگی تحقق این امر در مقام عمل نیاز به چاره‌جویی دارد. پژوهش حاضر، به دلیل جستجوی پاسخ این مسئله از منابع حقوقی اتحادیه اروپا و سپس بررسی آن در نظام حقوقی ایران، ماهیتی توصیفی - تحلیلی و تطبیقی دارد. روش پژوهش نیز اسنادی و کتابخانه‌ای است؛ به‌این ترتیب در پژوهش حاضر، اسناد مختلفی از جمله اسناد قانونی نظام‌های حقوقی پیش‌گفته مورد بررسی قرار گرفته است. مطالعات صورت گرفته حکایت از این دارد که رسانه‌ها و مطبوعات زمانی می‌توانند مطابق با حق آزادی بیان و اطلاعات رفتار کنند که منافع عمومی، سرشناس بودن شخص موضوع خبر و ضرورت افشای آن با هدف شفاف‌سازی افکار عمومی، همچنین اطمینان از صحت اطلاعات و کسب آن از منبعی معتبر، را به‌صورت توأمان در نظر گرفته باشند.

کلیدواژه‌ها: حفاظت از داده‌های شخصی، حق آزادی بیان و اطلاعات، دادگاه اروپایی حقوق بشر، مقررات اروپایی حفاظت از داده، منافع عمومی

* دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

مقدمه

جریان حق آزادی بیان و اطلاعات در هر جامعه‌ای منجر به تبادل آزاد ایده‌ها، نظرها و اطلاعات است. فارغ از اعضای مختلف جامعه که از این حق برخوردارند، رسانه‌ها و مطبوعات نیز می‌توانند از حق یاد شده در بسترهای حرفه‌ای خود استفاده کنند. با وجود اهمیت این امر، حق آزادی بیان و اطلاعات، حقی مطلق نیست و می‌تواند در تقابل با سایر حقوق محدود شود. یکی از این موارد، تقابل بین حق بر حریم خصوصی اطلاعاتی به‌طور کلی و حق حفاظت از داده‌های شخصی افراد به‌طور خاص با حق آزادی بیان و اطلاعات است که در بسترهای پیش‌گفته به‌کرات رخ می‌دهد. در واقع رسانه‌ها و مطبوعات با وجود اینکه متعهد به اطلاع‌رسانی صحیح و شفاف‌اند؛ نباید ناقض حق بر داده‌های شخصی افراد باشند و حقوق مختلف افراد نسبت به داده‌های شخصی‌شان را باید رعایت نمایند. با وقوع این تقابل، پرسش اساسی به این صورت مطرح می‌شود که شیوه برون‌رفت از تقابل حاصل شده چیست؟ به‌عبارت‌دیگر، راه‌حل جامعی که بتوان آن را در مصادیق مختلف به‌نحوی اجرا کرد که تا حد امکان از حقوق پیش‌گفته مورد حمایت حداکثری قرار گیرد و یک حق به‌طور کامل به دلیل چنین تقابلی نادیده گرفته نشود، کدام است؟

در مسیر حل معضل موجود و پاسخ به پرسش‌های پیش‌گفته، قانونگذاران موظف‌اند با وضع قوانین و مقررات خاص، حق رسانه‌ها را در تقابل با حق بر داده متعادل کنند. در واقع قانون باید به‌طور خاص، به قواعد حاکم بر آزادی بیان و اطلاعات در رسانه‌ها و مطبوعات، محل تلاقی این حق با حق بر داده‌های شخصی و چگونگی خروج از این تقابل اشاره کند. این امر در برخی از بسترهای قانونی انجام شده است. در این زمینه می‌توان به مقررات عمومی حفاظت از داده اتحادیه اروپا^۱ به‌عنوان قانونی الگو در خصوص حفاظت از داده‌های شخصی اشاره کرد. این مقررات که در سال ۲۰۱۸ لازم‌الاجرا شده است، از جامع‌ترین بسترهای قانونی نسبت به حمایت از داده‌های شخصی است. قبل از جریان این مقررات - در دامنه اعمال خود - با وجود به رسمیت شناخته شدن حق حفاظت از داده‌های شخصی و حریم خصوصی اطلاعاتی افراد، جریان حق یاد شده با چالش‌های مختلفی مواجه بود (گدارد^۲، ۲۰۱۷: ۷۰۳). به این ترتیب، این مقررات با اصلاح معیارهای موجود نسبت به حفاظت از داده شخصی، بر حقوق

1. General Data Protection Regulation (GDPR)

2. Goddard

و آزادی‌های افراد تأثیر بسیاری گذاشته است (سوزا^۱ و همکاران، ۲۰۱۸: ۹۱) و در واقع می‌توان گفت؛ نه تنها شهروندان اروپا، بلکه مردم جهان را به عصر جدیدی هدایت نموده است که در آن حفاظت از داده‌ها و حریم خصوصی بر تجزیه و تحلیل داده و استفاده از غلبه دارد. به عبارت دیگر، رویکرد مقررات اروپایی حفاظت از داده این است که اشخاص موضوع داده در عین این که از فناوری‌های موجود بهره‌مند می‌شوند، نسبت به داده‌های شخصی‌شان از حمایت‌های بیشتری برخوردار باشند (زارسکی^۲، ۲۰۱۷: ۱۰۱۸). در مسیر حمایت حداکثری از حق بر داده، یکی از جنبه‌هایی که این مقررات به آن تصریح کرده است، تقابل حق آزادی بیان و اطلاعات به‌ویژه حق مطبوعات و رسانه‌ها در این خصوص، با حق حمایت از داده‌های شخصی و اشاره‌ای به راه‌حل این تقابل است. فارغ از این مقررات در حقوق اتحادیه اروپا، منابع دیگری مانند کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به حمایت توأمان نسبت به حقوق مذکور اشاره کرده‌اند؛ همچنین مهم‌تر از همه اینکه، رویه قضایی دادگاه حقوق بشر در آرای مختلف به چگونگی ایجاد تعادل بین این حقوق تصریح کرده است.

خارج از اتحادیه اروپا با وجود اهمیت حفاظت از داده‌های شخصی، بسیاری از کشورها مانند ایران، هنوز قانونی خاص برای حمایت از داده‌های شخصی به‌طور کلی و مفاد قانونی خاص نسبت به تقابل حق آزادی بیان و اطلاعات، به‌ویژه حق مطبوعات و رسانه‌ها با حق حمایت از داده‌های شخصی و چگونگی رفع آن ندارند در حالی که ضرورت حمایت از داده‌های شخصی به‌عنوان یکی از حقوق شهروندی و جنبه‌ای از حقوق بشر، بر کسی پوشیده نیست و این مهم باید از سوی هر نظام حقوقی مورد توجه ویژه قرار گیرد. البته حقوق ایران با ارائه پیش‌نویس لایحه «صیانت و حفاظت از داده‌های شخصی» در تیرماه سال ۱۳۹۷ (سایت سازمان فناوری اطلاعات ایران) و طرح «حمایت و حفاظت از داده و اطلاعات شخصی» اعلام وصول شده در صحن علنی مجلس در شهریورماه ۱۴۰۰، در این خصوص گامی برداشته است؛ اما این اقدامات جزئی در خصوص حمایت از داده‌های شخصی کافی نیست. این اسناد فارغ از وضعیت قانونی‌شان، ابهامات و اشکالات مختلفی دارند؛ همچنین در پیش‌نویس لایحه «صیانت و حفاظت از داده‌های شخصی» و طرح «حمایت و حفاظت از داده و اطلاعات شخصی» جنبه‌های بسیار مهمی نسبت به حمایت از داده‌های شخصی مانند تقابل بین حقوق یاد شده و چگونگی ایجاد تعادل، از نظر دور مانده است و در

1. Sousa

2. Zarsky

این اسناد به‌طور کلی به این مهم اشاره نشده است. فارغ از این اسناد و نبود اشاره‌ای به موضوع حاضر در قانونی خاص، در حقوق ایران صرفاً می‌توان موضوع پژوهش حاضر را در برخی منابع دیگر جستجو کرد. این موارد از جمله سایر قوانین و مقررات - موضوع آنها حمایت از داده‌های شخصی نیست - مانند قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷، قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴، طرح «الزام به انتشار داده و اطلاعات» اعلام وصول شده در صحن علنی مجلس در آذرماه ۱۳۹۹، همچنین مبانی حقوق ایران به‌ویژه فقه امامیه است.

باتوجه به آنچه گفته شد، غایت این پژوهش، پس از تبیین راه‌حل معضل پیش‌گفته از حقوق اتحادیه اروپا، پاسخ به مسئله حاضر - با تمسک به راه‌حل ارائه شده در حقوق اتحادیه اروپا - به‌موجب نظام حقوقی ایران است. به‌عبارت‌دیگر، پژوهش حاضر، باتوجه به نبود پاسخی جامع برای این مسئله در منابع حقوقی ایران، به دنبال ارائه راهکاری مؤثر در این خصوص است.

پیشینه پژوهش

از آنجا که هدف این پژوهش، تبیین چگونگی برقراری تعادل بین حق آزادی بیان و اطلاعات با حق بر داده‌های شخصی در دامنه حقوق اتحادیه اروپا و نظام حقوقی ایران با رویکردی خاص نسبت به رسانه‌ها و مطبوعات بوده است؛ اثری علمی با هدف، دامنه و رویکرد مشابه کمتر مشاهده شده است. باین‌حال، به چند پژوهش که در وهله نخست ممکن است مشابه با این پژوهش تلقی شوند، اشاره خواهد شد و وجوه افتراق نیز مورد توجه قرار خواهند گرفت.

خسروی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات در حقوق اداری ایران و اتحادیه اروپا» به اهمیت حق آزادی بیان و اطلاعات پرداخته‌اند؛ اما به تقابل این حق با حق بر داده‌های شخصی و چگونگی رفع تقابل را بررسی نکرده‌اند.

رئیزی و قاسم‌زاده لیاسی (۱۳۹۹) مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های نظام حقوقی ایران در نقض داده‌های شخصی و حریم خصوصی در فضای سایبر» تدوین کرده‌اند که رویکردی کلی نسبت به چگونگی نقض داده‌های شخصی دارد و به‌طور تخصصی، به تقابل حق پیش‌گفته با حق آزادی بیان و اطلاعات اشاره نکرده است.

رفع تقابل بین حق آزادی بیان و اطلاعات با حق بر داده‌های شخصی در رسانه‌ها از منظر حقوق اتحادیه اروپا و نظام حقوقی ایران

آقای طوق و ناصر (۱۳۹۹) نیز مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های حفاظت از داده‌های خصوصی در حوزه اینترنت اشیاء مطالعه تطبیقی حقوق ایران و اتحادیه اروپا مجله حقوق اداری» نگاشته‌اند که به موضوع چالش‌های مربوط به حفاظت از داده‌ها پرداخته؛ اما به تقابل این حق با سایر حقوق و راه‌حل آن توجهی نکرده است.

یانسن رونتلو^۱ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «همزیستی مقررات اروپایی حفاظت از داده با حق آزادی بیان و اطلاعات» به رویکرد مقررات اروپایی حفاظت از داده نسبت به فعالیت مطبوعات و رسانه‌ها به‌موجب حق آزادی بیان و اطلاعات اشاره کرده است؛ اما دامنه پژوهش وی صرفاً حقوق اتحادیه اروپا و به‌طور خاص؛ مقررات پیش‌گفته است.

همچنین اردوس^۲ (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی چالش‌های آزادی بیان به‌موجب مقررات عمومی حفاظت از داده» به چگونگی حفظ حیات حق بر داده و حق آزادی بیان اطلاعات از منظر بستر قانونی پیش‌گفته پرداخته؛ در حالی که دامنه پژوهش او نیز مانند مورد سابق است.

روش‌شناسی پژوهش

باتوجه به اینکه پژوهش حاضر با تتبع در منابع حقوقی اتحادیه اروپا و ایران به دنبال حل معضل یاد شده است و در همان حال، به مطابقت راه‌حل موجود در اتحادیه اروپا با نظام حقوقی ایران می‌پردازد، بر اساس ماهیت، توصیفی - تحلیلی و تطبیقی محسوب می‌شود. جامعه مورد بررسی در این پژوهش از یک‌سو، مقررات اروپایی حفاظت از داده، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر و از سوی دیگر، منابع حقوقی مختلف در حقوق ایران از جمله قوانین و مقررات، فقه امامیه و ... است. روش پژوهش نیز به‌صورت پژوهش اسنادی^۳ بوده است. این روش با تحلیل اسنادی که حاوی اطلاعاتی درباره موضوع مدنظر است و از طریق بررسی اسناد مختلف مانند اسناد رسمی به‌عنوان منبع اطلاعات صورت می‌گیرد و از روش‌های اصلی در پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی است (احمد^۴، ۲۰۱۰: ۲). همچنین پژوهش، به شیوه کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع علمی برای یافتن اطلاعات انجام شده است. به‌این ترتیب که در گام نخست با نگاهی تحلیلی به چگونگی برقراری تعادل بین حق آزادی بیان و اطلاعات در رسانه‌ها و مطبوعات با حق حفاظت از داده‌های

1. Jansen Reventlow
2. Erdos

3. Documentary Research
Method

4. Ahmed

شخصی در حقوق اتحادیه اروپا - از مسیر منابع پیش گفته - پرداخته شده و سپس با استفاده از روشی تطبیقی، این مسئله در نظام حقوقی ایران - با توجه به منابع یاد شده - مورد بررسی قرار گرفته است تا منجر به حصول نتیجه و پاسخ به مسئله حاضر شود.

یافته‌های پژوهش

• چگونگی تعادل بین حق آزادی بیان و اطلاعات با حق حمایت از

داده‌های شخصی به موجب حقوق اتحادیه اروپا

حق حفاظت از داده‌های شخصی و همچنین آزادی بیان و اطلاعات دو حق اساسی هستند که به‌طور قانونی مورد حمایت اتحادیه اروپا قرار دارند. البته وجود این دو حق برای حیات یک جامعه مردم‌سالار ضروری است؛ اما هیچ یک به‌طور مطلق قابل جریان نیستند و در صورت تقابل، باید برای رفع این تقابل و ایجاد تعادل چاره‌اندیشی شود. در این خصوص به ماده ۸۵ مقررات اروپایی حفاظت از داده می‌توان اشاره کرد که هدف آن یافتن توازن عادلانه در خصوص جریان این دو حق است. به موجب این ماده کشورهای عضو باید بر اساس قانون، حق حمایت از داده‌های شخصی مطابق این مقررات را با حق آزادی بیان و اطلاعات، از جمله پردازش^۱ برای اهداف مطبوعاتی^۲ متعادل سازند. همچنین به‌منظور پردازش برای اهداف مطبوعاتی کشورهای عضو می‌توانند از الزامات این مقررات از جمله اصول حاکم بر پردازش، حقوق شخص موضوع داده، تعهدات کنترل‌کننده و پردازنده، الزامات مربوط به انتقال داده‌های شخصی به کشورهای ثالث یا سازمان‌های بین‌المللی و ... استثنائات یا معافیت‌هایی را ارائه کنند. البته این معافیت‌ها در صورتی که است که برقراری تعادل بین حمایت از داده‌های شخصی و آزادی بیان و اطلاعات، ضروری باشد (مجموعه قوانین اتحادیه اروپا^۳، ۲۰۱۶: ۸۴-۸۳).

به موجب ماده یاد شده، کشورهای عضو باید نسبت به معافیت‌های لازم برای ایجاد تعادل بین این دو حق اساسی در سطح ملی قانونگذاری کنند. با وجود این، ماده کشورهای عضو اتحادیه اروپا می‌توانند معافیت یا استثنائاتی را از تمام حوزه‌های کلیدی مقررات اروپایی حفاظت از داده مانند اصول اساسی پردازش یا حقوق شخص موضوع داده مقرر کنند. البته در مواردی نیز ممکن

1. Processing

پردازش به معنای عملیات یا مجموعه‌ای از عملیات است که بر روی داده شخصی یا مجموعه داده‌های شخصی، با وسایل خودکار و غیر آن، صورت می‌گیرد. این امر اعم از جمع‌آوری، ضبط، سازمان‌دهی، طبقه‌بندی، ذخیره‌سازی، اشتراک‌گذاری، تغییر، بازبانی، استفاده کردن، تجزیه و تحلیل کردن، انتشار، افشا به‌وسیله مخابره کردن یا ایجاد دسترسی به شیوه‌های دیگر، ترکیب کردن، محدود نمودن، حذف و پاک کردن و یا تخریب است.

2. Journalistic Purposes

3. EUR-Lex

رفع تقابل بین حق آزادی بیان و اطلاعات با حق بر داده‌های شخصی در رسانه‌ها از منظر حقوق اتحادیه اروپا و نظام حقوقی ایران

است این معافیت‌ها از یک کشور عضو نسبت به کشور دیگر متفاوت باشد که در این صورت، قانون کشور عضوی که کنترل‌کننده تابع آن است، اعمال می‌شود (مجموعه قوانین اتحادیه اروپا، ۲۰۱۶: ۸۴).

این ماده به‌طور خاص نسبت به پردازش داده‌های شخصی در زمینه سمعی و بصری، آرشیوهای خبری و کتابخانه‌های مطبوعاتی قابل اعمال است. «اهداف مطبوعاتی» یاد شده در این مقررات شامل تهیه، جمع‌آوری، تهیه پیش‌نویس، تولید، توزیع یا بایگانی به‌منظور اطلاع‌رسانی به مردم و استفاده از هر رسانه‌ای است. با توجه به ماده یاد شده، رسانه‌ها باید بتوانند داده‌های شخصی را هنگام تولید محتوای مطبوعاتی، در مواردی که منافع عمومی برای انجام این کار وجود دارد، پردازش کنند. کنترل‌کننده داده^۱ باید به‌طور منطقی مطمئن باشد که انتشار به نفع عموم است. این امر با در نظر گرفتن منافع عمومی، هرگونه منافع خصوصی اشخاص موضوع داده و همچنین آسیب احتمالی برای افراد قابل ارزیابی است (دفتر سرپرست اطلاعات بریتانیا^۲، بی‌تا). علاوه بر این، به دلیل اهمیت حق آزادی بیان در جوامع مردم‌سالار، لازم است مفاهیم مربوط به آزادی، مانند آزادی مطبوعاتی، به‌طور موسع تفسیر شود. البته مقررات اروپایی حفاظت از داده صرفاً معافیت را تا حدی که برای آزادی مطبوعاتی «ضروری» است یا باعث نبود امکان یا اختلال جدی در این موارد می‌شود، مجاز می‌داند (موربی^۳ و همکاران، ۲۰۱۹: ۲۰۶). از این‌رو، مفهوم موسع «آزادی مطبوعاتی» منجر به این نیست که به‌طور مطلق در زمینه اهداف مطبوعاتی و رسانه، حق حفاظت از داده‌های شخصی قابل چشم‌پوشی باشد؛ بلکه این ماده بر «ضروری بودن» پردازش برای اهداف یاد شده صراحت دارد تا بر لزوم ایجاد تعادل بین حقوق یاد شده اشاره کرده باشد (اردوس، ۲۰۲۲: ۴۲۹). از آنجاکه جزییات این امر بر قانونگذاری در سطح ملی ارجاع داده شده است و از این مقررات معیارهای دیگر - غیر از ضرورت پردازش برای اهداف مطبوعاتی - قابل درک نیست، باید به سراغ سایر منابع در حقوق اتحادیه اروپا رفت.

البته ناگفته نماند که تفویض قانونگذاری در این خصوص به کشورهای مختلف عضو اتحادیه اروپا دو خطر را به همراه دارد: اولاً، برخی از قوانین ملی الزاماتی را اتخاذ کرده‌اند که سطح حمایتی مناسب نسبت به حق آزادی بیان و اطلاعات در رسانه‌ها و مطبوعات یا حفاظت از داده‌ها ندارد و به‌نوعی در زمینه ایجاد تعادل مناسبی عمل نکرده است و ثانیاً برخی از کشورها در

1. Controller

کنترل‌کننده به معنای شخص حقیقی یا حقوقی، مرجع عمومی یا نهاد دیگری است که به‌تنهایی یا به‌طور مشترک با دیگران، اهداف و ابزار پردازش داده‌های شخصی را تعیین می‌کند. در صورتی که یک شخص - اعم از حقیقی یا حقوقی - یا یک مرجع عمومی یا یک نهاد تصمیم بگیرد که چرا و چگونه داده‌های شخصی باید پردازش شوند، کنترل‌کننده داده است.

2. The Information Commissioner's Office (ICO)

3. Mourby

تصویب قوانین در سطح ملی در این خصوص موفق نبوده‌اند یا بسیار کند عمل کرده‌اند. بررسی‌های صورت گرفته در اواخر سال ۲۰۱۸ نشان می‌دهد؛ باوجود این که اکثر کشورهای عضو، مقررات اروپایی حفاظت از داده را اجرا می‌کنند؛ در خصوص قانونگذاری این مسئله موفقیتی نداشته‌اند. این زمان، تنها شانزده کشور از کشورهای عضو برای معافیت مطبوعاتی و رسانه‌ای، قانون وضع کرده و کیفیت این قوانین نیز بسیار متفاوت است. این امر فارغ از اینکه وحدت قانونی را از بین برده است؛ ایرادهای دیگری نیز دارد. برای مثال، به موجب قانون حفاظت از داده‌های اسپانیا، به هیچ وجه مشخص نیست که الزامات مقررات اروپایی حفاظت از داده چگونه باید با روزنامه‌نگاری یا آزادی بیان و اطلاعات مطابقت داشته باشد. این قانون به غیر از ذکر کلی آزادی بیان و اطلاعات در مقدمه و اختصاص ماده‌ای مبنی بر اینکه هر کس حق آزادی بیان در اینترنت را دارد، نسبت به سایر ابعاد این مسئله سکوت کرده است و این امر مانع از شفافیت لازم برای پردازش داده‌ها در زمینه مطبوعات و رسانه شده است (یانسن رونتلو، ۲۰۲۰: ۳۳).

فارغ از مقررات اروپایی حفاظت از داده که در ماده‌ای خاص به تقابل بین حق آزادی بیان و اطلاعات با حفاظت از داده‌های شخصی اشاره کرده است. به موجب ماده ۸ و ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۱ نیز ایجاد تعادل بین این دو حق لازم است. توضیح اینکه هر چند بند اول ماده ۱۰ این کنوانسیون، بر حق آزادی بیان و اطلاعات به طور مطلق صراحت دارد، این حق به موجب بند دوم این ماده - فارغ از سایر موارد - در تقابل با حق حریم خصوصی و به طور خاص حفاظت از داده‌های شخصی محدود می‌شود (شورای اتحادیه اروپا، ۱۹۵۰: ۱۱ و ۱۳).

در این خصوص می‌توان به پرونده‌ای صادر شده از دادگاه اروپایی حقوق بشر^۲ اشاره کرد. مختصر این پرونده که دعوی آقای آرموناس و خانم بیویوک به طرفیت روزنامه لیتوانیایی به شماره ۰۲/۳۶۹۱۹ و ۰۳/۲۳۳۷۳ (مدعیان در دو پرونده با شماره‌های متفاوت طرح دعوی کرده بودند) در سال ۲۰۰۸ است، به شرح زیر است: در سال ۲۰۰۱ یک روزنامه برجسته لیتوانیایی با رویکرد پزشکی و سلامت، مقاله‌ای در مورد خطرات ایدز منتشر کرد که در آن اطلاعاتی در مورد وضعیت سلامتی یک مرد دارای HIV مثبت ذکر شده بود. این مقاله همچنین مشعر به این بود که این فرد دارای فرزندان نامشروع از زن دیگری است که او نیز مبتلا به ایدز است. در واقع مقاله یاد شده بر اینکه آقای آرموناس و

1. European Convention on Human Rights (ECHR)

2. Council of Europe

3. European Court of Human Rights (ECTHR)

رفع تقابل بین حق آزادی بیان و اطلاعات با حق بر داده‌های شخصی در رسانه‌ها از منظر حقوق اتحادیه اروپا و نظام حقوقی ایران

خانم بیریوک HIV مثبت و دارای فرزندان نامشروع هستند، تصریح کرده و خانم بیریوک را نیز به‌نوعی به «فحشا» متصف کرده بود. ضمن اینکه حاوی اطلاعاتی در مورد وضعیت سلامتی آقای آرموناس و اشاراتی به زندگی جنسی او بود (داده‌های شخصی حساس شخص حقیقی). از آنجا که این دو فرد در یک جامعه روستایی کوچک زندگی می‌کردند و انتشار این مقاله بر زندگی‌شان تأثیر به‌سزایی داشت، هر دو آنها از روزنامه یاد شده در سطح ملی به اتهام نقض حریم خصوصی و به‌طور خاص، تجاوز به داده‌های شخصی شکایت کردند. دادگاه ملی به نفع آنان رأی داد؛ اما حکم به مبلغ بسیار کمی به‌عنوان خسارت کرد. مقدار اندک این خسارت - خسارت تمسخرآمیز - موجب طرح دعوی در دادگاه اروپایی حقوق بشر شد. دادگاه اروپایی حقوق بشر معتقد بود که این امر سوءاستفاده آشکار از آزادی بیان و اطلاعات ازجمله توسط مطبوعات است ضمن اینکه محدودیت‌های قانونی بر اختیار قضات در حکم به جبران خسارات وارد شده به قربانیان نیز منجر به محرومیت زیان‌دیده از حق نسبت به حریم خصوصی و حفاظت از داده‌ها است. از این‌رو، با شش رأی موافق در مقابل یک رأی، حکم نمود که ماده ۸ کنوانسیون (حق احترام به حریم خصوصی) نقض شده است. در واقع این مورد را «سوءاستفاده ظالمانه از آزادی مطبوعات» نامید. البته در خصوص این پرونده نیز برخی موارد این سوءاستفاده را پررنگ‌تر کرده بود، از جمله اینکه مدعیان در جامعه‌ای کوچک زندگی می‌کردند و امکان تحقیق عمومی و طرد از محل زندگی وجود داشت در حالی که برای روزنامه منافع عمومی به‌عنوان دلیلی برای انتشار اطلاعات وجود نداشت - اطلاعات می‌توانست مستعار یا ناشناس ارائه شود و تعهد رازداری حرفه‌ای از سوی کادر درمانی بیمارستان نیز رعایت نشده بود؛ بنابراین دادگاه اروپایی حقوق بشر به مبلغی متناسب با خسارت وارد شده - خسارت معنوی - حکم کرد، (گفتنی است به‌طور کلی، سقف قانونی برای جبران خسارت در لیتوانی بلافاصله پس از این پرونده به سطح بالاتری تغییر یافت) (دادگاه اروپایی حقوق بشر، ۲۰۰۸: ۱۶).

در کل می‌توان گفت؛ مطابق با رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر، یکی از معیارهای ضروری در موارد تقابل بین این دو حق، توجه به این است که آیا ذکر اطلاعات، به‌ویژه افشای داده‌های شخصی در جهت منافع عمومی شخص موضوع داده، از چهره‌های عمومی - رجل سرشناس^۱ است - که اطلاعات خاص آنها برای مردم دارای اهمیت است؟ افزون بر این نکته چگونگی کسب اطلاعات،

1. Public Figure

به‌ویژه اعتبار منبع دسترسی به اطلاعات نیز مهم است (آژانس حقوق اساسی اتحادیه اروپا و شورای اتحادیه اروپا، ۲۰۱۸: ۵۹-۵۸).

در این خصوص می‌توان به پرونده شرکت انتشاراتی اکسل اشپرینگر^۲ به طرفیت دادگاه آلمان به شماره ۳۹۹۵۴/۰۸ در سال ۲۰۱۲ اشاره کرد. مختصر پرونده به این شرح است که: در ۱۲ دسامبر ۲۰۰۵ روزنامه آلمانی کثیرالانتشار بیلد (وابسته به شرکت انتشاراتی اکسل اشپرینگر) مقاله‌ای در مورد انتخاب گرهارد شرودر (صدراعظم سابق آلمان) به ریاست کنسرسیوم آلمانی - روسی - اندکی پس از پایان دوره او به‌عنوان صدراعظم - در خصوص ساخت یک خط لوله گاز از روسیه به اروپای غربی منتشر کرد. اما آقای شرودر از دادگاه‌های آلمان خواستار ممنوعیت انتشار بیشتر این مقاله شد. دلیل درخواست او این بود که انتشار این مطالب، بدگمانی نسبت به آقای شرودر را برای داشتن انگیزه‌های خصوصی و سود شخصی در این خصوص تقویت می‌کرد. همچنین مقاله به‌طور خاص این سؤال را مطرح می‌کرد که آیا آقای شرودر از تصمیمات سیاسی که به‌عنوان صدراعظم برای حفظ موقعیت در کنسرسیوم گرفته بود، سود برده؟ و آیا به دلیل موقعیت سودآوری که داشته، به دنبال پایان دادن به دوره ریاست خود به‌عنوان صدراعظم آلمان بوده است یا خیر. در ۱۹ ژانویه ۲۰۰۷، دادگاه منطقه‌ای هامبورگ به نفع آقای شرودر رأی داد و ممنوعیت درخواستی را به این دلیل که انتشار این مقاله ناقض قانون مدنی آلمان و همچنین حق حفاظت از داده‌های شخصی است، پذیرفت. دادگاه استیناف هامبورگ (تجدیدنظر) نیز رأی دادگاه بدوی را تأیید کرد، در این مرحله اما مدعی (شرکت انتشاراتی اکسل اشپرینگر) با ادعای نقض حق آزادی بیان که در ماده ۱۰ کنوانسیون حقوق بشر حمایت شده است، به دادگاه اروپایی حقوق بشر شکایت کرد.

این دادگاه به اتفاق آراء اعلام کرد که نقض ماده ۱۰ صورت گرفته است. دادگاه‌های آلمان نتوانستند به‌طور قانع‌کننده‌ای ثابت کنند که ضرورتی اجتماعی برای اولویت حمایت از شهرت و داده‌های شخصی آقای شرودر نسبت به حق آزادی بیان و اطلاعات وجود داشته است. در واقع گفته شد که به دلیل وجود منافع عمومی، این مورد از مصادیق بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون - که اموری را محدودکننده حق آزادی بیان و اطلاعات می‌داند - نیست. با توجه به این رأی، یکی از معیارهایی که به‌طور ویژه، در تقابل حق احترام به زندگی خصوصی (حفاظت از داده‌های شخصی) طبق ماده ۸ و حق آزادی بیان بر اساس

1. European Union Agency for Fundamental Rights & Council of Europe

2. Axel Springer

رفع تقابل بین حق آزادی بیان و اطلاعات با حق بر داده‌های شخصی در رسانه‌ها از منظر حقوق اتحادیه اروپا و نظام حقوقی ایران

ماده ۱۰ کنوانسیون باید مورد توجه قرار گیرد، وجود منافع عمومی تلقی شد. در نهایت، دادگاه اروپایی حقوق بشر خاطر نشان کرد که ممنوعیت انتشار این مقاله به حکم دادگاه‌های آلمان، می‌تواند تأثیر غیرقابل جبرانی بر اعمال حق آزادی بیان و اطلاعات داشته باشد (دادگاه اروپایی حقوق بشر، ۲۰۱۲: ۲۱).

به عبارت دیگر، همان‌گونه که گفته شد، در تعادل بین حق آزادی بیان و حق احترام به زندگی خصوصی و به‌طور خاص، حفاظت از داده‌های شخصی، لازم است معیارهای مختلفی از قبیل اینکه آیا مقاله منتشر شده مربوط به منافع عمومی است؛ آیا فرد مورد نظر یک شخصیت عمومی و سرشناس است و یا اینکه نحوه دسترسی به اطلاعات و اعتبار منبع چگونه است، مورد توجه قرار گیرد. به نظر دادگاه اروپایی حقوق بشر در این مقاله جزییات مربوط به زندگی خصوصی آقای شرودر با هدف ارضای کنجکاوی عمومی بیان نشده است؛ بلکه مطلب، به رفتار وی در زمان مسئولیت و مشارکت وی در کنسرسیوم کمی پس از پایان دوره او مربوط است؛ بنابراین این امر در زمره منافع عمومی است. همچنین این فرد از رجال سیاسی است به‌اندازه‌ای شناخته شده است که شخصیتی عمومی و سرشناس محسوب شود و در نهایت اینکه این اطلاعات از طریق دفتر دادستانی عمومی^۱ ارائه شده و صحت آن مورد مناقشه نیست؛ بنابراین محدودیت‌های انتشار مقاله توسط شرکت انتشاراتی به‌طور منطقی، با هدف قانونی حفاظت از حریم خصوصی و به‌طور خاص داده‌های شخصی، مناسب تشخیص داده نشده است و حق آزادی بیان و اطلاعات در این خصوص اولویت دارد (آژانس حقوق اساسی اتحادیه اروپا و شورای اتحادیه اروپا، ۲۰۱۸: ۵۸).

در این خصوص و مشابه با رویکرد پیش‌گفته همچنین می‌توان به پرونده خانم کودرک و شرکت انتشاراتی اچ اف ام^۲ به طرفیت دادگاه فرانسه به شماره ۴۰۴۵۴/۰۷ در سال ۲۰۱۵ اشاره کرد. توضیح اینکه در سوم می ۲۰۰۵ روزنامه انگلیسی دیلی میل (وابسته به شرکت انتشاراتی اچ اف ام) مصاحبه‌ای را منتشر کرد که حاوی افشاگری‌های خانم کودرک در مورد پسرش بود. وی مدعی شده بود که پدر او، شاهزاده سلطنتی موناکو (آلبرت) است. این مصاحبه مبنی بر رابطه خانم کودرک با شاهزاده و نحوه واکنش او به تولد کودکش به همراه عکس‌هایی از شاهزاده با آن کودک بود که در یکی از آنها، کودک را در آغوش گرفته بود. شاهزاده آلبرت علیه شرکت انتشاراتی به دلیل نقض حریم خصوصی و به‌طور ویژه، حق بر داده‌های شخصی‌اش شکایت کرد. دادگاه‌های فرانسه نیز

1. Public Prosecutor's Office

2. Hachette Filipacchi Associés

اعلام کردند که انتشار مقاله صدمات جبران‌ناپذیری به شاهزاده آلبرت وارد کرده است و از این‌رو، ناشر را به پرداخت غرامت و انتشار جزییات حکم بر روی جلد مجله محکوم کردند.

شرکت انتشاراتی که مدعی بود رأی دادگاه‌های فرانسه به نحو غیرقابل توجیهی در حق آزادی بیان آنها دخالت کرده است، پرونده را در دادگاه اروپایی حقوق بشر مطرح کرد. این دادگاه نیز که ملزم به برقراری تعادل بین حق آزادی بیان و اطلاعات با حق بر داده‌های شخصی است، رأی داد که حق خانم کودرک برای به اشتراک گذاشتن زندگی‌اش با مردم و وجود ارتباط رسمی این کودک با پدرش ملاحظات مهمی دارد که همسو با منافع عمومی است. در واقع این مصاحبه، مربوط به یک شخص سرشناس در زمینه منافع عمومی بود؛ زیرا شهروندان موناکو علاقه‌مند به دانستن این خبر بودند؛ وجود فرزندی که می‌تواند در آینده، ادامه سلطنت موروثی را بر عهده گیرد. دادگاه اروپایی حقوق بشر خاطر نشان کرد که خانم کودرک و فرزندش از حق آزادی بیان خود استفاده کرده‌اند و شرکت انتشاراتی نیز به همین دلیل، ناقض قانون رفتار نکرده است. همچنین اعلام کرد که دادگاه‌های ملی - فرانسه - نسبت به رویه قضایی دادگاه حقوق بشر با هدف ایجاد تعادل بین حق بر حریم خصوصی و حق آزادی بیان، توجه لازم را نداشته‌اند و در نهایت حکم داد که دادگاه‌های فرانسه، ماده ۱۰ کنوانسیون را که متضمن حق آزادی بیان و اطلاعات است، نقض کرده‌اند (دادگاه اروپایی حقوق بشر، ۲۰۱۵: ۲۰-۱۷).

باتوجه به مطالب پیش‌گفته، به‌ویژه رویه قضایی در اتحادیه اروپا، می‌توان ادعان داشت که به دلیل تصریح قانونی بر لزوم احترام نسبت به این دو حق، حقوق یاد شده، به‌موجب اتحادیه اروپا دو حق موازی هستند و هیچ‌یک به خودی خود، نسبت به دیگری اولویتی ندارند. این حقوق متضمن حیات بشری‌اند؛ ولی در عین حال، به‌طور مطلق نیز قابل جریان نیستند. از این‌رو، در مواردی حق آزادی بیان و اطلاعات و در برخی موارد دیگر، حق حفاظت از داده‌های شخصی مقدم است و از همین‌رو، اولویت این حقوق نسبت به یکدیگر، برحسب مورد تفاوت می‌کند؛ البته در موارد تقابل و برای تشخیص غلبه یکی از این حقوق لازم است معیارهای مختلفی مورد توجه قرار گیرد. این موارد می‌تواند وجود منافع عمومی، میزان شهرت فرد یا افراد مورد نظر، نحوه کسب اطلاعات و صحت آن، محتوای اطلاعات، دامنه تأثیر و پیامدهای انتشار چنین

رفع تقابل بین حق آزادی بیان و اطلاعات با حق بر داده‌های شخصی در رسانه‌ها از منظر حقوق اتحادیه اروپا و نظام حقوقی ایران

اطلاعاتی و به‌طور خاص، توجه به ضرورت پردازش داده‌های شخصی همسو با اهداف مطبوعاتی و رسانه‌ای (معیار مصرح در ماده ۸۵ مقررات اروپایی حفاظت از داده) باشد. این امر مانند این است که به موجب رویه قضایی در اروپا باید از حقوق مالکیت معنوی در مقابل حق آزادی بیان و اطلاعات محافظت شود. در واقع لازم است تقابل منافع در اشتراک‌گذاری اطلاعات از یک‌سو و از سوی دیگر منافع صاحبان حقوق مالکیت معنوی از سوی دیگر سنجیده شود. همین امر در تقابل بین حق آزادی بیان و اطلاعات با حق حفاظت از داده‌های شخصی نیز وجود دارد (ر.ک. جورجیو^۱، ۲۰۲۰: ۳۷-۳۵).

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی مسئله پژوهش در حقوق اتحادیه اروپا و دستیابی به پاسخ، حال باید این مسئله در نظام حقوقی ایران مورد پژوهش قرار گیرد تا اشخاص درگیر با تقابل موجود، بتوانند به‌طور مناسب از این معضل رهایی یابند. در خصوص چگونگی تعادل بین حق آزادی بیان و اطلاعات با حق حمایت از داده‌های شخصی بر اساس نظام حقوقی ایران باید گفت: همان‌گونه که پیش‌تر - در مقدمه - بیان شد، حقوق ایران به‌طور خاص نسبت به حمایت از داده‌های شخصی و جزییات آن - مانند موضوع پژوهش حاضر - قانونی ندارد. بدین جهت مسئله حاضر باید از مسیر سایر منابع حقوق ایران مورد بررسی قرار گیرد. در این خصوص می‌توان گفت که به‌طور کلی، در برخی از قوانین و مقررات ایران، به تقابل بین حق آزادی بیان و اطلاعات و لزوم ایجاد تعادل بین این حق با حق حفاظت از داده‌های شخصی اشاره شده است؛ چنان‌که اصل یک‌صد و هفتاد و پنجم قانون اساسی ایران مصوب ۱۳۵۸ مقرر می‌کند: «در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد...». اصل بیست و چهارم این قانون آمده است: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن‌که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند». مفاد قانونی مذکور مبین حق آزادی بیان و اطلاعات است. در مقابل مواد ۱۴ و ۱۵ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷^۲ به احترام نسبت به حق

1. Georgiou

۲. ماده ۱۴ مقرر می‌کند «چنانچه اطلاعات درخواست شده مربوط به حریم خصوصی اشخاص باشد و یا در زمره اطلاعاتی باشد که با نقض احکام مربوط به حریم خصوصی تحصیل شده است، درخواست دسترسی باید رد شود.» به‌علاوه به‌موجب ماده ۱۵ «مؤسسات مشمول این قانون در صورتی که پذیرش درخواست متقاضی، متضمن افشای غیرقانونی اطلاعات شخصی درباره یک شخص حقیقی ثالث باشد؛ باید از در اختیار قرار دادن اطلاعات درخواست شده خودداری کنند، مگر آنکه: الف) شخص ثالث به‌نحو صریح و مکتوب به افشا اطلاعات راجع به خود رضایت داده باشد، ب) شخص متقاضی، ولی یا قیم یا وکیل شخص ثالث، در حدود اختیارات خود باشد و ج) متقاضی یکی از مؤسسات عمومی باشد و اطلاعات درخواست شده در چارچوب قانون مستقیماً به وظایف آن به‌عنوان یک مؤسسه عمومی مرتبط باشد.»

حفاظت از داده‌های شخصی و اطلاعات در تقابل با حق دسترسی به اطلاعات و آزادی بیان اشاره کرده است. بستر قانونی دیگری که در این خصوص می‌توان به آن اشاره کرد، قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ است. ماده ۳۱ این قانون به حق حفاظت از داده‌های شخصی در مقابل حق آزادی بیان و اطلاعات اشاره می‌کند. این ماده مقرر می‌دارد: «انتشار مطالبی که مشتمل بر تهدید به هتک شرف و یا حیثیت و یا افشای اسرار شخصی باشد ممنوع است و مدیرمسئول به محاکم قضایی معرفی و با وی طبق قانون تعزیرات رفتار خواهد شد» با این توضیح که یکی از مصادیق اسرار شخصی یاد شده در این ماده را می‌توان داده‌های شخصی اشخاص حقیقی دانست^۱، باید گفت مفاد قانونی یاد شده در خصوص داده‌های شخصی نیز قابل استناد است.

باتوجه به مواد پیش‌گفته، می‌توان درک کرد که به‌موجب حقوق موضوعه ایران نیز، ضرورت ایجاد تعادل بین حفاظت از داده‌های شخصی و اطلاعات در مقابل آزادی بیان و اطلاعات وجود دارد چنان‌که به تقابل بین این حقوق در مواردی اذعان شده است.

فارغ از اسناد قانونی پیش‌گفته، طرح «الزام به انتشار داده و اطلاعات» - اعلام وصول شده در صحن علنی مجلس در آذرماه ۱۳۹۹ - نیز در خصوص مسئله حاضر قابل بررسی است؛ البته این سند هنوز به مرحله نهایی نرسیده است و ایراداتی هم دارد؛ اما پرداختن به آن به‌عنوان جدیدترین سندی که به مسئله حاضر اشاره کرده است، مفید به نظر می‌رسد.

باتوجه به این طرح می‌توان گفت که هرچند در بند ۱ و بند ۶ از ماده ۲ آن، به ترتیب «داده شخصی» و «اطلاعات» به‌طور مناسب تعریف شده‌اند^۲؛ در بند ۱۵ از ماده ۲ حریم خصوصی اطلاعاتی این‌گونه تعریف شده است: «حریم خصوصی اطلاعاتی: قلمرویی از زندگی هر شخص که برابر قانون یا عرف از دسترسی دیگران مصون می‌باشد، مانند تمامیت جسمی، اماکن خصوصی و منازل، ارتباطات خصوصی با دیگران، شنود و دسترسی اطلاعات شخصی فرد از طریق رایانه، تلفن همراه، نامه، خودرو و آن قسمت از مکان‌های اجاره شده خصوصی نظیر هتل و کشتی، همچنین آنچه حسب قانون فعالیت حرفه‌ای

۱. در خصوص این‌که داده‌های شخصی سر هستند باید گفت، سر امری نسبی است و مصادیق آن باتوجه به شرایط افراد و انگیزه آنها در پنهان کردن امری متفاوت می‌شود (قماشی، ۱۳۸۵: ۴). از سوی دیگر داده‌های شخصی ارزشمند هستند و غالباً اشخاص حقیقی تمایل ندارند که داده‌های شخصی آنها برای تمامی افراد آشکار شود و موجب شناسایی آنها گردد. درواقع یکی از اصول حاکم بر داده‌های شخصی حفظ تمامیت و محرمانگی داده‌های شخصی است. هدف از این اصل عدم تعرض به حقوق اشخاص موضوع داده و قرار نگرفتن در معرض سوءاستفاده است. باتوجه به این امر در بسیاری از موارد می‌توان داده‌های شخصی را به‌نوعی سر دانست.

۲. به افتراق مفهومی و مصادیقی داده شخصی با اطلاعات اشاره شده است. درواقع به این امر که امکان شناسایی یک شخص، داده شخصی را از اطلاعات متمایز می‌نماید، توجه شده است.

رفع تقابل بین حق
آزادی بیان و اطلاعات
با حق بر داده‌های
شخصی در رسانه‌ها از
منظر حقوق اتحادیه
اروپا و نظام حقوقی ایران

خصوصی هر شخص حقیقی و حقوقی محسوب می‌شود از قبیل اسناد تجاری و اختراعات و اکتشافات» است. در این بند، سهوی رخ داده است. توضیح اینکه تعریف حریم خصوصی اطلاعاتی نزدیک به تعاریف اطلاعات و داده‌های شخصی است و شامل اماکن و تمامیت جسمی یا برخی دیگر از مصادیق یاد شده در این بند نمی‌شود. در واقع حریم خصوصی اطلاعاتی در زمینه امنیت اطلاعات و به‌نوعی، متضمن کنترل افراد بر روی اطلاعاتشان است. بدین جهت تعریف یاد شده در این بند تعریف حریم خصوصی به‌طور کلی است. فارغ از اشکال این بند، می‌توان گفت اشاره طرح مذکور به تعریف «داده شخصی»، «اطلاعات» و «حریم خصوصی اطلاعاتی» مبین این است که این طرح به تقابل بین حق آزادی بیان و اطلاعات با حق حریم خصوصی اطلاعاتی به‌طور ویژه حفاظت از داده‌های شخصی توجه دارد. توجه به این حقوق، همچنین از برخی مواد دیگر این طرح قابل درک است. این مواد از جمله ماده ۳ است که بیان می‌کند «به‌منظور نظارت بر انتشار اطلاعات، نظارت بر حسن اجرای قوانین مربوط به شفافیت، حمایت از حقوق حریم خصوصی ارتباطاتی و اطلاعاتی در جهت صیانت از منافع عمومی، نظارت بر قواعد حاکم بر اسرار حاکمیتی و رسیدگی نهایی به اعتراضات و اعلام نظر در خصوص ابهامات احتمالی و تفسیر قواعد یاد شده شورای عالی نظارت بر انتشار اطلاعات با ترکیب زیر حداکثر ظرف مدت یک‌ماه پس از ابلاغ این قانون در قوه قضاییه تشکیل می‌گردد» به‌علاوه ماده ۴ است که «بند ۵- انتشار عمومی ارزیابی‌های انجام شده توسط خود و کمیته‌های زیرمجموعه در مورد نحوه رعایت حقوق شهروندان در زمینه حریم خصوصی ارتباطاتی و اطلاعاتی آنها» را در زمره وظایف شورا می‌داند، همچنین ماده ۹ که «بند ۱۲ - حفاظت از حقوق شهروندان و تضمین حقوق کاربران اینترنتی در زمینه حریم خصوصی ارتباطاتی شامل جلوگیری از ارسال پیام‌های تبلیغاتی و هرزنامه‌ها از طریق ایمیل یا سایر رسانه‌های الکترونیکی» را از وظایف کمیته تخصصی می‌شمرد.

باتوجه به مطالب پیش‌گفته، روشن است که اگرچه در اسناد قانونی یا طرح شده ایرانی، تقابل بین حق آزادی بیان و اطلاعات با حق حفاظت از داده‌های شخصی مورد توجه قرار گرفته و به ایجاد لزوم تعادل بین حقوق یاد شده نیز به‌طور ضمنی اشاره شده است؛ چگونگی ایجاد چنین تعادلی و معیارهایی که باید مورد بررسی قرار گیرند، از نظر دور مانده است. فقدان معیارهای خاص

برای رهایی از این تقابل، موجب ابهام در مقام عمل است. افزون بر این، فقدان رویه قضایی در این مسئله نیز بر چنین ابهامی دامن زده و موجب نبود شفافیت بیشتر نسبت به این موضوع شده است. همچنین این ابهام و نبود تصریح بر معیارهای خاص، در مبانی حقوق ایران مانند فقه امامیه نیز وجود دارد. در مبانی، به لزوم چنین تعادلی اشاره شده است؛ اما معیارهای روشن برای بررسی، مورد تصریح قرار نگرفته است. صرفاً در تقابل این حقوق می‌توان گفت که اصل در مورد هر انسانی، آزادی در تمامی شئون مربوط به اوست، مگر اینکه اعمال آزادانه افراد برای خود فرد، دیگران یا جامعه ضرر دنیوی یا اخروی داشته باشد - درواقع به حقوق سایرین ضرر وارد کند - که در این صورت باطل و حرام است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲ و منتظری، ترجمه صلواتی، ۱۳۶۷: ۳۱۸-۳۱۶)؛ بنابراین به موجب فقه امامیه نیز حق بر آزادی بیان و اطلاعات مورد احترام است؛ اما این حق مطلق نیست و در تقابل با سایر حقوق مانند حق بر داده‌های شخصی، قابلیت محدود شدن دارد.

با فقدان تصریح بر معیارهایی خاص برای برون‌رفت از تزاخم میان حقوق پیش‌گفته در منابع حقوق ایران، در این مرحله، با تمسک به روش تطبیقی، لازم است جریان معیارهای مصرح در حقوق اتحادیه اروپا در حقوق ایران مورد بررسی قرار گیرد. همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد اهم معیارهایی که در این خصوص باید مورد توجه قرار گیرد، این است که آیا افشای داده‌های شخصی در جهت منافع عمومی، ضرورت دارد و آیا شخص موضوع داده از چهره‌های عمومی است - رجل سرشناس - است که اطلاعات خاص آنها برای مردم اهمیت دارد؟ افزون بر این، چگونگی کسب اطلاعات به‌ویژه اعتبار منبع دسترسی به اطلاعات نیز باید مورد بررسی قرار گیرد.

در مسیر بررسی منفعت عمومی به‌عنوان میزانی برای خروج از تقابل یاد شده، ابتدا باید گفت که حق بر داده شخصی، حق فردی است. درواقع شخص موضوع داده مالک داده‌های شخصی خود است و مطابق با قاعده تسلیط، توانایی تصرف نسبت به داده‌های شخصی خود را دارد. البته حق نسبت به داده‌های شخصی، حق مالکیت ویژه‌ای است که ویژگی‌های خاص خود را دارد؛ اما این شخص موضوع داده است که مستحق اصلی داده‌های شخصی است، حق او در مقابل اشخاص ثالث باید مورد احترام قرار گیرد و در صورت نقض حق، خسارت شخص موضوع داده قابل جبران است.

رفع تقابل بین حق آزادی بیان و اطلاعات با حق بر داده‌های شخصی در رسانه‌ها از منظر حقوق اتحادیه اروپا و نظام حقوقی ایران

باتوجه به فردی بودن حق بر داده‌های شخصی، این حق در مقابل حقوق عمومی و جمعی محدود می‌شود؛ چراکه قاعده تسلیط، محدود به جایی است که مزاحم با حقوق عمومی نباشد (مروج، ۱۳۷۹: ۴۹۵). به عبارت دیگر، منفعت عمومی که در تعریف سود و فایده‌ای است که همگان از آن برخوردار خواهند بود و اموری را در برمی‌گیرد که برای توده مردم مطلوبیت دارد و آنان را بهره‌مند می‌کند (منصوریان و شیبانی، ۱۳۹۵: ۱۲۲) یا در اصطلاح فقهی، مصلحت عمومی یا مصالح عامه، بر منافع خاصه یا مصالح فردی مقدم است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵ و میرزای قمی، ۱۳۷۱). مبنای این تقدم، رعایت صلاح عموم مردم و توجه به احوال کلی آنان است. در واقع تقدم منفعت عمومی، مقتضای نظم عمومی و عدالت است (عمید زنجانی، ۱۳۹۱: ۱۷۹).

باتوجه به مطالب پیش گفته می‌توان اظهار کرد که وجود منفعت عمومی به‌عنوان میزانی برای تقدم حق آزادی بیان و اطلاعات در تقابل با حق بر داده، در نظام حقوقی ایران نیز مطرح است. همچنین باید گفت که با اثبات این معیار در حقوق ایران، معیار دیگر، یعنی سرشناس بودن شخص موضوع داده نیز قابل اثبات است؛ چراکه معیار اخیر هم به اولویت منافع عمومی برمی‌گردد. در واقع اینکه شخص، چهره‌ای عمومی دارد یعنی احوالات و اطلاعات او برای مردم، مهم و به‌نوعی متضمن نفع عمومی و در راستای شفاف‌سازی افکار عمومی است. در غیر این مورد - یعنی در جایی که منافع عمومی مطرح است اما فرد سرشناس نیست - باید خبر را با رعایت حق بر داده یعنی رمزنگاری شده^۱، مستعار^۲ یا به‌صورت ناشناس^۳ ارائه کرد. در نهایت، معیار پایانی، یعنی اطمینان از صحت اطلاعات از منبعی معتبر نیز باید برای تقدم حق آزادی بیان و اطلاعات در رسانه‌ها و مطبوعات وجود داشته باشد؛ زیرا این ویژگی در حالت معمول و در صورتی که این حق در تقابل با حق بر داده نیست باید به‌موجب اخلاق حرفه‌ای در رسانه‌ها و مطبوعات لحاظ شود، به‌همین دلیل در فرض مسئله که این حق در تقابل با حق اساسی دیگری است، لزوم وجود این ویژگی به‌طریق اولی قابل درک است.

باتوجه به آنچه گفته شد، می‌توان اظهار کرد که معیارهای مطرح در حقوق اتحادیه اروپا - به‌طور خاص، مقررات عمومی حفاظت از داده اتحادیه اروپا، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر - در حقوق ایران نیز قابل جریان است؛ به‌این ترتیب، با وجود توأمان این معیارها

1. encryption

2. pseudonymisation

3. anonymisation

یعنی وجود منافع عمومی، سرشناس بودن شخص موضوع داده و کسب اطلاعات از منبع معتبر^۱ در حقوق ایران نیز حق آزادی بیان و اطلاعات غالب است. البته وظیفه قانونگذاری نسبت به تصریح بر چگونگی حمایت از داده‌های شخصی و جزییات مربوط به آن، از جمله پرداختن به مسئله پژوهش حاضر و صراحت بر معیارهای برون‌رفت از تراحم حق بر داده با سایر حقوق اساسی مانند حق آزادی بیان و اطلاعات، همچنان باقی است.

پیشنهادها

باتوجه به فقدان تصریح قانونی نسبت به مسئله پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود: قانونگذار ایرانی به رفع ابهامات و ایرادات اسناد پیشنهادی موجود در خصوص داده‌های شخصی اقدام کند و در این مسیر جنبه‌های مختلف حمایت، از جمله تلاقی این حق با حقوقی مانند حق آزادی بیان و اطلاعات و چگونگی رفع آن را در نظر بگیرد. در این خصوص آنچه در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفت و نتیجه‌ای که از آن حاصل شد، می‌تواند قانونگذار را در حل این معضل یاری دهد. توجه قانونی به این مسئله بر بخش‌های مختلف جامعه، از جمله رسانه‌ها و مطبوعات اثرگذار است و کارآمدی و اعتماد بخشی این ابزارها را بیش از پیش تقویت می‌کند.

محدودیت و نوآوری

باتوجه به پیشینه پژوهش حاضر، قابل درک است که فقدان منابع حقوقی به‌طور کلی و نبود منابع قانونی به‌طور خاص برای حقوق ایران، مانعی جدی در مسیر مطالعات باشد. این مانع باعث شد که پاسخ مسئله پژوهش نسبت به حقوق ایران، از طریق تطبیق با حقوق اتحادیه اروپا استنباط شود. البته ناگفته نماند این محدودیت، زمینه نوآوری موضوع را نیز فراهم آورد. در واقع بی‌توجهی به این مسئله در سایر منابع، تمرکز این پژوهش حاضر بر آن و ارائه راهکاری عملی، وجه تمایز و از جمله دلایل اهمیت این پژوهش است. از این رو، پژوهش حاضر می‌تواند در کنار ارائه داده‌های علمی به علاقه‌مندان و پژوهشگران، مسیر دیگر پژوهش‌های مرتبط را نیز هموار سازد. ضمن اینکه از نتایج این پژوهش در قانون‌گذاری مسائل مربوط و یا معضلات نظام قضایی نیز استفاده کرد.

۱. این معیارها به‌نوعی مشعر «به‌ضرورت پردازش داده‌های شخصی برای اهداف مطبوعاتی و رسانه‌ای است» که معیار مصرح ماده ۸۵ مقررات اروپایی حفاظت از داده برای غلبه حق آزادی بیان و اطلاعات است.

منابع

رفع تقابل بین حق
آزادی بیان و اطلاعات
با حق بر داده‌های
شخصی در رسانه‌ها از
منظر حقوق اتحادیه
اروپا و نظام حقوقی ایران

آقای طوق، مسلم و مهدی، ناصر. (۱۳۹۹). چالش‌های حفاظت از داده‌های خصوصی در حوزه اینترنت اشیا: مطالعه تطبیقی حقوق ایران و اتحادیه اروپا. **حقوق اداری**، ۷(۲۳)، ۳۳-۵۵.

پیش‌نویس لایحه «صیانت و حفاظت از داده‌های شخصی». (۱۳۹۷). منتشر شده در سایت سازمان فناوری اطلاعات ایران.

خسروی، حسن؛ مژگان، رامین‌نیا و محمدجواد، حسینی. (۱۴۰۰). آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات در حقوق اداری ایران و اتحادیه اروپا. **حقوق اداری**، ۸(۲۷).

رئیزی، لیلا و فلور، قاسم‌زاده لیاسی. (۱۳۹۹). چالش‌های نظام حقوقی ایران در نقض داده‌های شخصی و حریم خصوصی در فضای سایبر. **حقوق دادگستری**، ۸۴(۱۱۰).

طرح «الزام به انتشار داده و اطلاعات». (۱۳۹۹). اعلام وصول شده در صحن علنی مجلس.

طرح «حمایت و حفاظت از داده و اطلاعات شخصی». (۱۴۰۰). اعلام وصول شده در صحن علنی مجلس.

عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۹۱). قواعد کلی عقود کتاب البیع و المتاجر. تهران: خرسندی.

مروج، حسین. (۱۳۷۹). اصطلاحات فقهی. قم: بخشایش.

منصوریان، ناصر علی و عادل، شیبانی. (۱۳۹۵). مفهوم منفعت عمومی و جایگاه آن در قانونگذاری ایران. **دیدگاه‌های حقوق قضایی**، ۷۵ و ۷۶، ۱۱۷-۱۴۲.

منتظری، حسینعلی. (۱۳۶۷). مبانی فقهی حکومت اسلامی (دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامية) (ترجمه محمود صلواتی). قم: کیهان. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۵). دائرةالمعارف فقه مقارن. قم: مدرسه الإمام علی بن ابی‌طالب(ع).

میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن. (۱۳۷۱). جامع الشتات. محقق مرتضی رضوی. تهران: کیهان.

هاشمی شاهرودی، محمود. (۱۳۸۲ق). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام. قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت(ع).

Ahmed, J. U. (2010). Documentary Research Method: New Dimensions. **Indus Journal of Management & Social Science (IJMSS)** 4 (1), 1–14.

Council of Europe. (1950). European Convention on Human Rights. In Vertical Judicial Dialogues in Asylum Cases.

Erdos, D. (2022). Special, Personal and Broad Expression: Exploring Freedom of Expression Norms under the General Data Protection Regulation. **Yearbook of European Law**, 40, 398–430.

EUR-Lex. (2016). Regulation (EU) 2016/679 on the Protection of Natural Persons With Regard to the Processing of Personal Data and on the Free Movement of Such Data (General Data Protection Regulation – GDPR). Official Journal of the European Union, 1–88.

European Court of Human Rights. (2008). Information Note on the Court 's Case-law (Issue 113).

European Court of Human Rights. (2012). Information Note on the Court 's Case-law (Issue 158).

European Court of Human Rights. (2015). Information Note on the Court 's Case-law (Issue 190).

European Union Agency for Fundamental Rights, & Council of Europe. (2018). Handbook Data Protection Law.

Georgiou, A. (2020). **Balancing the Freedom of Expression and the Right to Privacy in the GDPR Era.**

Goddard, M. (2017). Viewpoint: The EU general Data Protection Regulation (GDPR): European Regulation that has a Global Impact. **International Journal of Market Research**, 59(6), 703–706.

ICO. (n.d.). Data protection and journalism: how to complain about media organisations. Retrieved February 28, 2022, from <https://ico.org.uk/your-data-matters/data-protection-and-journalism/>

Jansen Reventlow, N. (2020). Symposium on the GDPR and International Law Can The GDPR and Freedom of Expression Coexist? **Ajil unbound**, 114, 31–34.

Mourby, M.; Gowans, H.; Aidinlis, S.; Smith, H. & Kaye, J. (2019). Governance of Academic Research Data Under the GDPR — lessons from the UK. **International Data Privacy Law**, 9(3), 192–206.

رفع تقابل بین حق
آزادی بیان و اطلاعات
با حق بر داده‌های
شخصی در رسانه‌ها از
منظر حقوق اتحادیه
اروپا و نظام حقوقی ایران

Sousa, M.; Ferreira, D.; Santos-Pereira, C.; Bacelar, G.; Frade, S.; Pestana, O. & Cruz-Correia, R. (2018). OpenEHR Based Systems and the General Data Protection Regulation (GDPR). **Studies in Health Technology and Informatics**, 247, 91–95.

Zarsky, T. (2017). Incompatible: The GDPR in the Age of Big Data. **Seton Hall Law Review**, 47(4), 995–1020.